

بسمه تعالی

# محمد عابد الجابری

## اندیشه‌ای نو در تفسیر قرآن کریم

مؤلف:

دکتر محمد تقی قادری رهقی

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۸

سرشناسه: قادری رهقی، محمدتقی، ۱۳۴۶-  
عنوان و نام پدیدآور: محمدعابد الجابری، اندیشه نو در تفسیر قرآن کریم/ مولف  
محمدتقی قادری رهقی.  
مشخصات نشر: ارسطو، ۱۳۹۸.  
مشخصات ظاهری: ۱۵۳ ص.  
شابک: ۷-۳۷۲-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه.  
موضوع: جابری، محمدعابد، ۱۹۳۶ - ۲۰۱۰م.--- نقد و تفسیر  
موضوع: Jabiri, Muhammad Abid-- Criticism and interpretation  
موضوع: قرآن-- بررسی و شناخت  
موضوع: Qur'an -- Surveys  
موضوع: تفسیر  
موضوع: Qur'an -- Criticism, interpretation, etc  
رده بندی کنگره: BP۹۸  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹  
شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۰۱۵۳۳

نام کتاب: محمدعابد الجابری اندیشه‌ای نو در تفسیر قرآن کریم  
مولف: دکتر محمدتقی قادری رهقی  
ناشر: ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸  
چاپ: مدیران  
قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک: ۷-۳۷۲-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸  
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۲	معرفی ساختاری فهم القرآن الحکیم
۱۵	۱- موضوعات بخش تعلیق
۱۵	۲- موضوعات بخش استطراد
۱۶	۳- ساختار تفسیر سوره
۱۸	۴- علت انتخاب سه مجلد
۲۳	فصل اول: مبانی اندیشه‌ورزی جابری
۲۵	۱- ۱- نواندیشی دینی در مغرب اسلامی - عربی
۲۶	۱- ۲- نومعتزلیان
۲۹	۱- ۳- گرایش‌های فکری جهان عرب
۳۱	۱- ۴- نقد عقل عربی و میراث
۳۴	۱- ۵- عصر تدوین
۳۵	۱- ۶- مفهوم زبان و اندیشه از منظر جابری
۳۶	۱- ۷- معقول دینی و نامعقول عقلی؛ اندیشه هرمتی
۴۱	۱- ۸- دسته‌بندی علوم در جامعه عرب

۹ - ۱	علل عقب ماندگی مسلمانان از منظر جابری	۴۲
۱۰ - ۱	مواجهه با سنت - واسازی آن	۴۴
۱۱ - ۱	ارزیابی اندیشه ابن سینا توسط جابری	۴۷
۱۲ - ۱	دموکراسی و سکولاریسم در دیدگاه جابری	۴۷
۱۳ - ۱	مرز ایمان از منظر جابری	۴۸
۱۴ - ۱	قرآن کریم؛ نقد تاریخی	۴۹
۱۵ - ۱	رویکرد معرفت شناسانه و تحلیل ایدئولوژی	۵۱
۱۶ - ۱	جابری و نوع نگرش به عقل	۵۱
۱۷ - ۱	تعریف سیاست در دیدگاه جابری	۵۲
۱۸ - ۱	تحلیل تاریخی و دانش بشری	۵۳
۱۹ - ۱	اخلاق اطاعت در جامعه عرب	۵۴
<b>فصل دوم: مبانی تفسیری محمدعابد الجابری</b>		
۱ - ۲	مقدمه	۶۱
۲ - ۲	مبانی تفسیری جابری	۶۳
۲ - ۲ - ۱	ضرورت تفسیر قرآن کریم بر اساس ترتیب نزول آیات	۶۳
۲ - ۲ - ۲	عرف عام و به زبان قوم بودن زبان قرآن	۶۵
۲ - ۲ - ۳	استفاده از تمام مصادر در تفسیر	۶۷
۲ - ۲ - ۴	امکان صحت روایات متفاوت یا متعارض مربوط به یک حادثه ...	۷۰
۲ - ۲ - ۵	عدم تعارض عقل با حقایق دینی	۷۱
۲ - ۲ - ۶	پرهیز از تأویل باطنی آیات مغایر با پذیرش عقل	۷۲

۷-۲-۲- وجود ثوابت و متغیرات در کتب آسمانی	۷۷
۸-۲-۲- شناخت دین در گستره عقل بشری	۸۲
۹-۲-۲- پرهیز از گرفتاری در عقاید پذیرفته شده	۸۴
۱۰-۲-۲- عدم تداخل آیات مکی و مدنی در یک سوره	۸۵
۱۱-۲-۲- لزوم استنتاجات مسأله و بهره برداری استدلالی و برهانی از قصص قرآن...	۸۶
۱۲-۲-۲- جمع بندی	۸۸
<b>فصل سوم: روش تفسیری محمدعابد الجابری</b>	
۱-۳- مقدمه	۹۳
۲-۳- روش تفسیری جابری	۹۵
۱-۲-۳- جداسازی متن از حاشیه	۹۵
۲-۲-۳- توجه به سیاق	۹۵
۳-۲-۳- ضرورت مرحله بندی سوره ها در فهم صحیح آیات	۱۰۰
۴-۲-۳- بهره گیری از قصص در چارچوب سیاق	۱۰۳
۵-۲-۳- تعیین جایگاه سوره در ترتیب نزول	۱۰۴
۶-۲-۳- توجه به سیر دعوت محمدی(ص) در تفسیر آیات	۱۰۷
۷-۲-۳- تبیین آیات قصص و امثال با هدف حجت و بیان و خدمت به اهداف دعوت	۱۱۶
۸-۲-۳- استفاده مشروط از روایات شأن نزول	۱۱۸
۳-۳- جمع بندی	۱۱۹

فصل چهارم : دستاوردها	۱۲۱
۴ - ۱- بخش اول: جمع‌بندی	۱۲۳
۴ - ۲- بخش دوم: نتیجه‌گیری	۱۲۸
ضمیمه یک: جدول مقایسه‌ای ترتیب نزول سوره‌ها	۱۳۳
سابقه و آثار مرتبط با تألیفات جابری	۱۳۹
۱- کتاب	۱۴۰
۲- مقاله	۱۴۰
۳- پایان نامه/رساله دکتری	۱۴۱
فهرست منابع	۱۴۳
کتابها	۱۴۳
مقالات	۱۵۱
پایان نامه	۱۵۳
سایت اینترنتی	۱۵۳

## مقدمه

از دغدغه های مهم نواندیشان دینی و مفسران نواندیش، استفاده از علوم نوین در تحلیل و بررسی تعالیم، معانی و مفاهیم قرآن کریم است. از روش های مورد استفاده در تفسیر قرآن کریم، رعایت ترتیب نزول سوره ها همگام با فرود آمدن آن ها بر پیامبر اکرم (ص) است. در این سبک، یکصد و چهارده سوره قرآن، به همان ترتیبی که فرود آمده است، مطالعه می شود. تفاوت جوهری این سبک تفسیری با تفسیرنگارهای مرسوم (ترتیب مصحفی و موضوعی) تلاش مفسر در دستیابی به سامانه نزول سوره ها و آیات در فرآیند تدریجی ۲۳ سال رسالت پیامبر اکرم (ص) است.<sup>۱</sup>

بر این سبک تفسیری، آثار و فوایدی مترتب است که ارزش و اعتبار آن را نمایان می سازد و تغییر سبک تفسیرنگاری یا تفسیرگویی را از شیوه های مرسوم، توجیه می کند. به نظر می رسد بزرگ ترین فایده این سبک، شناخت روش های تغییر و تحول دینی است. البته این به معنای نفی وجود آثاری در فهم محتوا و مراد آیات نیست. فواید این سبک را می توان به دو دسته کلی مرتبط با مقاصد عالی و روش های قرآن و جزئی مرتبط با فهم صحیح تر محتوای آیات تقسیم کرد. از مهم ترین فواید کلی و جزئی این سبک می توان به کشف روش تحول دینی، کشف مراحل تغییر، تحول و تثبیت ارزش های اسلامی، کشف هندسه تحول اسلامی، تحلیل درست چالش ها و ارتباط آن ها با هندسه تغییر و تحول دینی، سیر تثبیت و سکونت قلب پیامبر اکرم (ص) متناسب با نزول پیام های الهی، گسترش و تعمیق نگاه تربیتی و آموزشی به مقوله تفسیر و کاربردهای رعایت ترتیب نزول در تفسیر اشاره کرد.<sup>۲</sup>

محمدعابد الجابری، متفکر نوگرای مغربی، در این سبک تفسیری، فهم القرآن الحکیم؛

---

۱. بهجت پور، عبدالکریم، تفسیر تنزیلی، مبانی، اصول، قواعد و فواید، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،

تهران، ۱۳۹۲، ش، ص ۱۵

۲. همان، ص ۳۴۹

التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول را به رشته تحریر درآورد. او در سال ۱۹۳۵ م، در شهر فکیک<sup>۱</sup> در مراکش به دنیا آمد. در اوایل دهه پنجاه از فعالان مقابله با استعمار فرانسه و از رهبران و متفکران حزب اتحاد سوسیالیستی نیروهای مردمی<sup>۲</sup> بود که گرایش‌های سوسیالیستی و مارکسیستی داشت. مدتی کوتاه نیز همراه عده‌ای از رهبران حزب (۱۹۶۳ م) در زندان به سر برد. وقتی این حزب به قدرت رسید و امکان دستیابی وی به وزارت فراهم شد، از پذیرفتن آن امتناع کرد. در سال ۱۹۸۱ م، برای تمرکز بر مسایل پژوهشی و علمی، از حزب و فعالیت سیاسی کناره گرفت. وی در فلسفه به تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۶۷ م، دوره کارشناسی ارشد خود را به اتمام رساند و در سال ۱۹۷۰ م، دکترای خود را از دانشکده ادبیات دانشگاه محمد پنجم رباط گرفت و سپس در همان دانشکده به تدریس فلسفه پرداخت. از سال ۱۹۸۴ م به بعد پروژه اصلی جابری یعنی نقد عقل عربی مطرح می‌شود که سپس در قالب یک اثر چهار جلدی درمی‌آید.<sup>۳</sup>

جابری پس از ارائه کتاب‌های چهارگانه‌اش و بحث از نظام ارزش‌ها در اندیشه عربی به تفسیر قرآن کریم روی آورد و ابتدا مقدمه‌ای بر آن با عنوان مدخل الی القرآن الکریم (۲۰۰۶ م)، تدوین کرد. سپس در سال ۲۰۰۸ م، تفسیر سه جلدی خود را به سبک ترتیب نزول و با نام فهم القرآن الحکیم، التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول به چاپ رساند.

برخی از ویژگی‌های مهم این تفسیر عبارت است از:

۱ - جابری در این کتاب به تبیین موضوع‌ها و اصولی می‌پردازد که از نظر او بدون فهم آن‌ها نمی‌توان درک درستی از قرآن داشت. او در این کتاب، نه خود را به مباحثی که به طور سنتی در تألیفات علوم قرآن مطرح می‌شود، محدود ساخته و نه از روش‌های مرسوم و معمول در آثار مذکور تبعیت کرده است. روش انتقادی و محققانه او، این کتاب را به اثری متمایز و درخور توجه در حوزه آثار علوم قرآن تبدیل کرده است. این کتاب از دو جهت درخور توجه است:

روش تحقیقات: جابری از روش‌های نوین تحقیق علمی در حوزه علوم انسانی و به ویژه علم تاریخ بهره‌برده است. نکته برجسته در روش او بررسی مسایل علوم قرآن از منظر تاریخی و در متن فرآیند پیدایش و تکوین قرآن است. بنابراین او بر خلاف روش‌های معمول در کتاب‌های علوم قرآن تنها به حدیث و روایت اکتفا نمی‌کند. در نظر او روایات ناظر بر یک حادثه یا واقعه تاریخی

۱. Figuig .

۲. الاتحاد الاشتراکی للقوی الشعبيه

۳. میری، سیدمحسن، تحلیل و بررسی عقل عربی از منظر محمدعابد الجابری، فصلنامه اسراء، ش ۴، ۱۳۸۹ش، ص ۱۰۶

که در عصر نزول رخ داده است، همچون گزارش‌های مختلفی‌اند که شاهدان یک حادثه از آن به دست می‌دهند.

نوآوری: نتایج تأمل برانگیز به کارگیری این‌روش را می‌توان در استنباط و فهم او از موضوع‌هایی مانند نام قرآن، وحی، امی بودن پیامبر اکرم(ص) و فهمی که از نقش قصص در قرآن به دست داده است، به روشنی مشاهده کرد. این همان ویژگی دومی است که کتاب جابری را از سایر تألیفات در حوزه علوم قرآن متمایز می‌سازد.

۲- روش جابری در تفسیر قرآن می‌تواند دریچه دیگری را بر روی محققان علوم قرآنی به ویژه در فهم قرآن کریم بگشاید. به ویژه، نگاه او به قصص قرآن است. او معتقد است، قرآن می‌بایست در بیان قصص انبیاء و اقوام گذشته، متناسب با سطح آگاهی مخاطبان خود از این قصص سخن گفته باشد، اما این عقیده موجب نمی‌شود در اصالت قرآن به منزله کلام خداوند تردید کرد. در نتیجه برای تبیین اصل مذکور، راهی متفاوت با برخی از متفکران نوگرای معاصر در پیش می‌گیرد. راهی که به گمان او ضمن پذیرش اصالت و مرجعیت وحی، وجود باورهای رایج در عرف عرب آن زمان در قرآن توجیه می‌شود.<sup>۱</sup>

۳- آگاهی از زمان نزول سوره‌ها و آیات در فهم صحیح قرآن بسیار حائز اهمیت است. از نظر جابری دانستن ترتیب نزول سوره‌ها به خصوص در باب تشریح و برخی از دانش‌های قرآنی مانند ناسخ و منسوخ ضرورت دارد. وی تغییر در ترتیب نزول پذیرفته‌شده سوره‌های قرآن را مشروط به هدف‌مندی و نتیجه‌داربودن آن مقبول و معقول می‌داند. شناخت هم‌خوانی مسیر دعوت و مراحل نزول و فهم استوار بر سیره را هدف خویش از دوباره مرتب‌سازی سوره‌های قرآن اعلام می‌کند. البته آسیمی که در این روش تفسیری وجود دارد، عدم امکان اطلاع دقیق از زمان نزول سوره‌ها و آیات است. جابری در مرتب‌سازی سوره‌ها بر حسب نزول، معیارها و ملاک‌های چندی را از قبیل صحیفه‌ها، اسباب نزول، آیات، سیاق، حجم و اسلوب آیات، موضوع و مضمون سوره، حقایق و رخدادهای عصر نزول، روایات، نوع خطاب آیات و نوع کلمات در نظر دارد.

از آنجا که قرآن و مفاهیم و معانی آن منحصر در هیچ دوره از زمان و محصور در هیچ مکانی نیست، آیا رجوع به قرآن مستلزم مقدمات و رویکردی جانب‌گرایانه یا فارغ از متون پیش گفته است؟ آیا در فهم قرآن اقتضائات و شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مالی و... در عصر نزول مؤثرند؟ آیا در تبیین مقصود و مراد خداوند از نزول آیات قرآن، علوم و فنون روز قابل استفاده‌اند؟ آیا فرهنگ زمان نزول قرآن در حصول به

۱. آرمین، محسن، رهیافتی به قرآن کریم، نشر نی، ۱۳۹۳ ش، صص ۱۴-۱۰

معنای آن دخیل است؟ شرایط جوامع در استنباط مفاهیم و معانی قرآن چقدر قابل اعتنا هستند؟

این‌ها سوالاتی‌اند که مفسران قرآن به آن پرداخته‌اند. در این میان، مفسرانی همچون محمدعابد الجابری هستند که معتقدند برای فهم بهتر معانی و مفاهیم قرآن می‌بایست قرآن را بر اساس ترتیب نزول مورد مطالعه و پژوهش قرار داد. در این کتاب به دلیل نواندیشی و نوآوری جابری، به تبیین مبانی فکری او به طور عام و به ویژه در حوزه تفسیر قرآن و نیز روش او در ارائه تفسیری مطابق با زمان حاضر پرداخته شده است. مسأله این است که دیدگاه جابری در تفسیر قرآن بر چه مبانی‌ای استوار است؟ روش او در فهم معنا و مراد خداوند از نزول آیات کدام است؟ گستره تأثیر شرایط عصر نزول آیات بر فهم صحیح قرآن از نظر جابری چقدر است؟

این کتاب به موضوع این تفسیر پرداخته و در صدد است مبانی و قواعد و روش تفسیری جابری را در معرض مطالعه محققان قرار دهد. برای ترجمه آیات نیز از ترجمه سیدجلال‌الدین مجتبوی استفاده شده است.

حاصل این پژوهش که منتج از رساله دکتری اینجانب در دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب است، در چهار فصل تنظیم شده است. در فصل اول اندیشه جابری در حوزه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برگرفته از آثارش ارائه شده است. در فصل دوم مبانی تفسیری جابری مورد توجه قرار گرفته‌اند. از مبانی تفسیری جابری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- توجه به ترتیب نزول سوره‌ها
- پذیرش عرفی و به زبان قوم بودن زبان قرآن
- عدم تعارض عقل با حقایق دینی
- پرهیز از تأویل باطنی از آیات مغایر با پذیرش عقل
- وجود ثوابت و متغیرات در کتب آسمانی
- شناخت دین در گستره عقل بشری
- پرهیز از گرفتاری در عقاید پذیرفته‌شده
- عدم تداخل آیات مکی و مدنی در یک سوره

- لزوم استنتاج مراد و بهره‌برداری استدلالی و برهانی از قصص قرآن
- در فصل سوم روش تفسیری جابری با ذکر مصادیق به تفصیل تبیین شده است. روش های تفسیری جابری عبارتند از :
  - جداسازی متن از حاشیه
  - توجه به سیاق
  - ضرورت مرحله‌بندی سوره‌ها در فهم صحیح آیات
  - بهره‌گیری از قصص در چارچوب سیاق
  - تعیین جایگاه سوره در ترتیب نزول
  - توجه به سیر دعوت محمدی(ص) در تفسیر آیات
  - تبیین آیات قصص و امثال با هدف حجت و بیان و خدمت به اهداف دعوت
  - استفاده مشروط از روایات شأن نزول
- در فصل چهارم نیز نتیجه‌گیری ارائه شده است.

در پایان این بخش لازم است از اساتید خود، آقایان، دکتر عبدالهادی فقهی‌زاده، دکتر علیرضا دلافکار و دکتر محمدهادی امین‌ناجی تشکر و قدردانی نمایم. همچنین اعلام می‌دارم در بخش‌هایی از متن، از کتاب رهیافتی به قرآن کریم در تعریف قرآن به قلم آقای دکتر محسن آرمین که ترجمه مقدمه جابری بر تفسیر خود به نام مدخل الی القرآن الکریم است، استفاده شده است.

امید است از این رهگذر کمکی به افزایش آگاهی محققان در فهم قرآن کریم باشد.

## معرفی ساختاری فهم القرآن الحکیم

تفسیر فهم القرآن الحکیم بر اساس ترتیب سوره‌های قرآن در سه مجلد از سوی مرکز دراسات الوحده العربیه چاپ شده است. در مجلد اول و دوم سوره‌های مکی و در مجلد سوم سوره‌های مدنی به تفسیر درآمده‌اند. ترتیب سوره‌ها در نگاه جابری متفاوت از ترتیب مورد نظر مستشرقان و مصحف مورد اعتماد الازهر است.<sup>۱</sup>

۱. ده‌ها تن از دانشمندان تاریخ، علوم قرآن و تفسیر از میان مسلمانان، با بررسی اسناد و گزارش‌های تاریخی و روایات نقلی رسیده در ترتیب نزول سوره‌ها و بر اساس ارزیابی و ترجیح میان اسناد روایی، به انتخاب جدول معتبری از میان گزارش‌های رسیده، اقدام کردند. (زرکشی، بدرالدین محمدبن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، عیسی البابی الحلبي، قاهره، ۱۹۷۵م، صص ۱۹۰-۱۸۷) زهری (م ۱۲۳) در کتاب خود به ترتیب نزول سور اشاره نمود. (زهری، ابن شهاب، تنزیل القرآن، تحقیق صلاح‌الدین المنجد، دارالکتب الحدیث، بیروت، ۱۹۸۰م، ابتدای کتاب) در قرن سوم، یعقوبی (م ۲۸۴) در تاریخ خود به این موضوع توجه کرد. (یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب، تاریخ یعقوبی، دارصادر، بیروت، صص ۱۱۷-۱۱۶) در اوایل قرن پنجم، صاحب کتاب المبانی فی نظم القرآن که در سال ۴۲۵ هـ ق به رشته تحریر درآمده و نام نویسنده آن در ابهام است (به نقل از موسوی دارابی، علی، نصوص فی علوم القرآن، محمد واعظزاده، بنیاد پژوهش‌های قرآنی، مشهد، ۱۳۸۷ ش، ج ۲، ص ۵۲۰) و ابن ندیم (م ۴۳۸) گزارشی از ترتیب نزول سوره‌ها را آوردند که مورد توجه دانشمندان قرار گرفت. همچنین در قرن ششم، امین‌الاسلام طبرسی (م ۵۴۸) در ذیل تفسیر سوره دهر (طبرسی، فضل‌بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، صص ۶۱۳-۶۱۲) و عبدالکریم شهرستانی (م ۵۴۸) به ذکر روایات ترتیب نزول پرداختند. (شهرستانی، محمد عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الأبرار، محمدعلی آذرشب، دفتر نشر مکتوب، تهران، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص ۱۶) در قرن هفتم، سیدرضی‌الدین علی‌بن طاووس الحلبي (م ۶۶۴) در تفسیرش، علاوه بر بیان ترتیب سوره‌ها، به اختلاف نظر مفسران در آیات استثنایی توجه کرد. (طاووس الحلبي، رضی‌الدین ابی‌القاسم علی‌بن موسی بن جعفر بن محمد، سعدالسعود، فارس تبریزیان الحسون، قم، ۱۳۷۹ ش، صص ۲۹۶-۲۸۷) در قرن هشتم، علاء‌الدین علی‌بن محمد بن ابراهیم البغدادی مشهور به خازن (م ۷۲۵) به جدول سوره‌ها و اختلافی که در جایگاه آن‌هاست، توجه کرد. (قاسمی، محمدجمال‌الدین، محاسن التأویل، محمدفؤاد عبدالباقی، داراحیاء الکتب العربیه، ج ۱، صص ۱۱-۱۰) برهان‌الدین زرکشی (م ۷۹۷) نیز، علاوه بر توضیح اصطلاح مکی و مدنی، گزارش‌هایی از ترتیب نزول سوره‌ها و اختلاف در این مورد ارائه داد و از آیات استثنایی مکی در سور مدنی و بالعکس، سخن گفت. (زرکشی، بدرالدین محمدبن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، عیسی البابی الحلبي، قاهره، ۱۹۷۵م، صص ۲۰۵-۱۸۷) در قرن نهم، فیروزآبادی (م ۸۱۷) ترتیب مذکور در کتاب المبانی را نقل کرد. (فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتب العزیز، تحقیق محمدعلی النجار، المجلس الاعلاء لثنون الاسلامیه، لجنة احیاء التراث الاسلامی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۹۷) جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱) در ضمن بحث مفصلی درباره مکی و مدنی و وجه نام‌گذاری سوره‌ها به ابن دو نام، به ذکر اقوال گروهی از دانشمندان و روایات رسیده درباره ترتیب نزول سوره‌ها و سوره‌های مورد اختلاف و نیز آیات استثنایی پرداخت. (سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، صص ۶۹-۳۴) احمدبن محمد قسطلانی (م ۹۲۳) نیز به همین موضوع علاقه نشان داد و جداول ترتیب نزول را موافق نظر سیوطی ثبت کرد. (قسطلانی، لطائف الاشارات لفنون القرائات، ص ۲۶) در کتب تألیف شده معتبر در قرن ۱۴ و ۱۵، مجدداً شاهد پرداختن به موضوع ترتیب نزول هستیم. قاسمی (م ۱۳۳۲) در تفسیر خود، ترتیب نزول سوره‌ها را بر اساسی حکیمانه ارزیابی کرده و معتقد است سوره‌های مکی به مباحثی پرداخت که نقش مقدمه در مباحث مدنی را داشت. (قاسمی، محمدجمال‌الدین، محاسن التأویل، محمدفؤاد عبدالباقی، داراحیاء الکتب العربیه، ج ۱، ص ۱۵) محمدعبده و محمدرشیدرضا (م ۱۳۵۴) در تفسیر خود به تفاوت محتوایی سوره‌های مکی با سوره‌های مدنی اشاره کردند و در آغاز هر سوره به اتفاق، با اختلاف مفسران در مکی یا مدنی بودن سوره اشاره نمودند. (عبده، محمد و رشیدرضا، محمد، تفسیر المنار، دارالمعرفه،

بیروت، ج ۱، صص ۳۳-۳۲ و ۱۰۵) ابوعبداله زنجانی (م ۱۳۶۰) در تاریخ قرآن خود، مباحث ارزشمند و منابع مفیدی را درباره ترتیب نزول سوره‌ها به نقل از شرق شناسان آورد و به روایات اسلامی درباره ترتیب نزول سوره‌ها در مصحف امیر مؤمنان و امام صادق (ع) و صحابه مفسر پرداخت. (زرقانی، ابوعبداله، تاریخ قرآن، منظمه الاعلام الاسلامی، تهران، ۱۴۰۴ ق، صص ۵۷-۴۷) محمدعبدالعظیم زرقانی (معاصر) نیز به موضوع مکی و مدنی سوره‌ها توجه کرد و به مناسبت، به تفاوت محتوای این دو دسته توجه داد و خواص و ویژگی هر کدام را شرح کرد. (زرقانی، محمدعبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، صص ۲۰۲-۱۹۲) ابوالحسن شعرانی (م ۱۳۹۳) در مقدمه‌ای که بر تفسیر منهج الصادقین نگاشت به بررسی موضوع عدم ترتیب قرآن بر اساس ترتیب نزول آیات و سور پرداخت و راه کشف سیر نزول سوره‌ها و آیات را تاریخ دانست. (کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ابوالحسن شعرانی، الاسلامیه، تهران، ۱۳۴۴ ش، ج ۱، ص ۱۷) شیخ محمداحمد ابوزهره (م ۱۳۹۴) تقسیم سوره‌ها به مکی و مدنی، تفاوت محتوای سوره‌های مکی از مدنی و جدول ترتیب نزول را موافق با نظر قرطبی در تفسیرش آورد. (ابوزهره، محمد، المعجزه الکبری، محمود ذبیحی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰ ش، صص ۲۶-۲۴) وی توضیح داد که آیات و سور به دنبال فرصت‌ها و نیازها نازل می‌شد و در همان حال، آیات و سور مجموعه‌ای پیوسته و یک‌دست هستند. علامه طباطبایی (م ۱۴۰۲) ضمن بیان برخی روایات ترتیب نزول سوره‌های مکی و مدنی و تأکید بر تأثیر مهمی که دانستن مکی و مدنی بر مباحث مربوط به دعوت نبوی و سیر روحی، سیاسی و مدنی آن حضرت دارد، این روایات را خالی از ضعف ندانسته است و برای شناخت صحیح مکی و مدنی بر تدبر در سبب آیات و قرائن و امارات داخلی و خارجی تأکید می‌کند. (طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۳، ص ۲۳۳) وی در جای دیگر به این موضوع اشاره کرده و در مورد کیفیت نزول آیات و سور و اقسام آیات و سور قرآن به بحث می‌پردازد. (طباطبایی، سیدمحمدحسین، قرآن در اسلام، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۹ ش، صص ۱۵۴-۱۵۱) محمد خضری (معاصر) به مناسبت بحث درباره تشریح در زندگی رسول خدا (ص) در حوزه کتاب و سنت، به دسته‌بندی سوره‌ها و میزات سوره‌های مکی از مدنی و ویژگی‌های تشریحی این دو دوره می‌پردازد. (خضری بک، محمد، تاریخ التشریح الاسلامی، دارالقلم، بیروت، ۱۹۸۳ م، صص ۱۹-۷) محمدعلی الاشیقر (معاصر) نیز با توجه به ویژگی سوره‌های مکی و مدنی، سیر نزول آیات را همگام با سیر حوادث و تطورات جریان رسالت ارزیابی می‌کند. (الاشیقر، محمدعلی، لمحات من تاریخ القرآن، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸ ق، صص ۱۱۹-۱۱۱) صبحی صالح (م ۱۴۰۷) مباحث مختلف مربوط به مکی و مدنی سوره‌ها، آیات استثنایی، و ویژگی‌های سور مکی و مدنی و مباحث شرق شناسان را درباره ترتیب قرآن و نقد آن‌ها به طور مشروح توضیح می‌دهد. (صالح، صبحی، مباحث فی علوم القرآن، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۳۸۵ ق، صص ۱۸۶-۱۶۷) عبدالکریم الخطیب (معاصر) نیز در ذیل آیه ۱۰۱ سوره نحل، معنای تبدیل آیه‌ای به جای آیه دیگر، و إِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ رَا جَابِهْ جَائِي آيَاتِ دَر سوره‌ها دانسته است، به گونه‌ای که ترتیب آن بر خلاف ترتیب نزول باشد و نیز بر تناسب سوره‌ها در ترتیب مصحفی، هر چند یکی مکی و دیگری مدنی باشد، تأکید می‌کند. (خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، دارالفکر العربی، قاهره، ج ۷، صص ۳۶۸-۳۶۳) محمدهادی معرفت (م ۱۴۲۷) به بحث درباره سوره‌های مکی و مدنی، ترتیب نزول، سوره‌های مورد اختلاف، آیات استثنایی، جدول صحیح ترتیب نزول سوره‌ها، بحث در توفیقیت و عدم توفیقیت ترتیب سوره‌ها و آیات پرداخت و اعتبار جدول ابن عباس و شاگرد وی جابر بن یزید را پذیرفت. (معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، صص ۱۰۳-۹۹) وی در جای دیگر فوائد اطلاع بر ترتیب نزول سوره‌ها و جایگاه آیات را پذیرفته است. (معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، الجامعه الرضویه لعلوم الاسلامیه، مشهد، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۵۱۹) ابراهیم ابیاری (معاصر) گزارش کاملی از ترتیب نزول سوره‌ها داده و درباره ترتیب چینش آیات در سوره‌ها به داوری پرداخته است. (ابیاری، ابراهیم، الموسوعه القرآنیة المیسره، موسسه سجل العرب، قاهره، ۱۹۷۴ م، ج ۱، صص ۳۴۰-۳۲۶) سیدابوالفضل میرمحمدی نیز به موضوع ترتیب نزول سوره‌ها، فوائد علم به مکی و مدنی، آیات و سور استثنایی و دلایل بر رد وجود آیات استثنایی به گسترده‌گی مورد ادعای برخی از دانشمندان علوم قرآن پرداخت. (میرمحمدی، سیدابوالفضل، بحوث فی تاریخ القرآن و علومه، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۹۸۰ م، صص ۳۳۹-

در مجلد نخست، پنجاه دو سوره مکی ناظر به سه مرحله مطرح شده است. بیست و هفت سوره (العلق، المدثر، المسد، التکویر، الاعلی، اللیل، الفجر، الضحی، الشرح، العصر، العادیات، الکوثر، التکاثر، الماعون، الکافرون، الفیل، الفلق، الناس، الاخلاص، الفاتحه، الرحمن، النجم، عبس، الشمس، البروج، التین و قریش) ناظر به مرحله نبوت، ربوبیت و الوهیت، ده سوره (القارعه، الزلزله، القیامه، الهمزه، المرسلات، ق، البلد، مکرر ۱ - العلق، مکرر ۲ - المدثر، القلم، الطارق و القمر) ناظر به مرحله بعث، جزا و مشاهد قیامت و پانزده سوره (ص، الاعراف، الجن، یس، الفرقان، فاطر، مریم، طه، الواقعة، الشعراء، النمل، القصص، یونس، هود و یوسف) ناظر به مرحله ابطال شرک و مذمت بت پرستی است.

در مجلد دوم، سی و هشت سوره مکی به تفسیر درآمده است. در این مجلد سوره‌های یادشده در سه مرحله و در ادامه مراحل قبل دسته‌بندی شده‌اند. پنج سوره (الحجر، الانعام، الصافات، لقمان و سبأ) ناظر به مرحله ارتباط با قبایل، هشت سوره (الزمر، غافر، فصلت، الشوری، الزخرف، الدخان، الجاثیه و الاحقاف) ناظر به مرحله محاصره پیامبر اکرم (ص) در شعب ابوطالب و هجرت به حبشه و بیست و پنج سوره (نوح، الذاریات، الغاشیه، الانسان، الکهف، النحل، ابراهیم، الانبیاء، المؤمنون، السجده، الطور، الملک، الحاقه، المعارج، النبأ، النازعات، الانفطار، الانشقاق، المزمل، الرعد، الإسراء، الروم، العنکبوت، المطففین و الحج) ناظر به مرحله هجرت به مدینه است.

در مجلد سوم، بیست و چهار سوره (البقره، القدر، الانفال، آل عمران، الاحزاب، الممتحنه، النساء، الحديد، محمد، الطلاق، البینه، الحشر، النور، المنافقون، المجادله، الحجرات، التحريم، التغابن، الصف، الجمعه، الفتح، المائده، التوبه و النصر) به عنوان سوره‌های مدنی معرفی شده‌اند. در ابتدای هر مرحله، سرآغازی به صورت موجز در مورد خصوصیات کلی سوره، موضوعات و محورهای آن با عنوان استهلال و در پایان آن نتیجه‌گیری نسبتاً طولانی حاوی محورهای برجسته موجود در سوره‌های آن مرحله با عنوان استطراد استشرافی آورده شده است.<sup>۱</sup>

۳۲۵) یوسفی غروی در سه جلد اول از کتاب موسوعه تاریخ الاسلامی از نزول سوره‌ها گزارش داد و نهایتاً سیره‌نگارانی چون جلال‌الدین فارسی و محمدعزیزه دروزه بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها به گزارش تاریخ و سیره آن حضرت پرداختند. (بهجت پور، عبدالکریم، تفسیر تنزیلی، مبانی، اصول، قواعد و فواید، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۹۲ ش، صص ۳۰۸-۳۰۴) برای اطلاع از پژوهش‌های خاورشناسان رجوع کنید به نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن، نشر هستی‌نما، تهران، ۱۳۸۰ ش، صص ۲۳-۱۰

۱. الجابری، محمدعابد، فهم القرآن الحکیم، التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول، القسم الاول، مرکز دراسات الوحده العربیة، بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۸ م، ص ۱۸

## ۱ - موضوعات بخش تعلیق

مؤلف فهم القرآن الحکیم در سه مجلد تفسیر خویش، هجده موضوع را در قسمت تعلیق مورد توجه و تصریح قرار داده است.

در مجلد اول، هشت موضوع ۱ - عدم فراموشی وحی الهی از جانب پیامبر اکرم (ص) در تفسیر سوره اعلیٰ، ۲ - حمله ابرهه به مکه مکرمه در تفسیر سوره فیل، ۳ - سحر در تفسیر سوره فلق، ۴ - وسواس در تفسیر سوره ناس، ۵ - مسأله رؤیت در تفسیر سوره قیامه، ۶ - قسم به حروف مقطعه در تفسیر سوره ق، ۷ - مسلمانان و قلم در تفسیر سوره قلم، ۸ - جن و شیطان در تفسیر سوره جن.

در مجلد دوم، سه موضوع ۱ - فقرات سوره و مسأله رؤیت، کلام و خلق قرآن در تفسیر سوره شوری، ۲ - خلود در بهشت و جهنم، حشر و نشر عام، حشر چهارپایان و تناسخ در تفسیر سوره انشقاق، ۳ - روح در قرآن و تورات و انجیل در تفسیر سوره اسراء.

و در مجلد سوم نیز هفت موضوع ۱ - نسخ در قرآن در تفسیر سوره بقره، ۲ - محکم و متشابه در تفسیر سوره آل عمران، ۳ - همسران پیامبر اکرم (ص) در تفسیر سوره احزاب، ۴ - آنچه که برای زنان و بر علیه آنان است و ازدواج موقت در تفسیر سوره نساء، ۵ - قصه إفک در تفسیر سوره نور، ۶ - اخبار منافقین در تفسیر سوره منافقون، ۷ - اسباب نزول: تحریم شراب در تفسیر سوره مائده به بحث گذاشته شده‌اند.

## ۲ - موضوعات بخش استطراد

همچنین در بخش استطراد و استشراف در مراحل مختلف به شرح زیر، سیزده موضوع را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

در مجلد اول و در انتهای تفسیر سوره‌های مرحله اول، موضوعات ربّ، الله، رحمن، رحیم و رحمه، مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته‌اند. در انتهای تفسیر سوره‌های مرحله دوم، موضوع معاد و در ذیل آن، خطاب بهشت و جهنم در قرآن به مثابه سلاح و اخلاق و تبیین دیدگاه‌های ابن سینا، فارابی و ابن رشد در این زمینه مورد اشاره قرار گرفته و در انتهای تفسیر سوره‌های مرحله سوم، به تشریح موضوعات توحید، اصنام و تصویر پرداخته شده است.

در مجلد دوم و در انتهای تفسیر سوره‌های مرحله چهارم، موضوع دعوت از اعراب در موسم‌ها و بازارها مورد توجه قرار گرفته است. در انتهای تفسیر سوره‌های مرحله پنجم، موضوع هدایت و ضلالت از منظر معتزله و جبریون مورد بررسی و تبیین قرار گرفته و در انتهای تفسیر سوره‌های مرحله ششم، مسأله هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه منوره تشریح شده است.

در مجلد سوم، تحت عنوان استطراد و استشراف، موضوعی مطرح نشده است.

### ۳ - ساختار تفسیر سوره

جابری در تفسیر هر سوره سه بخش با عناوین مقدمه، متن سوره و استطراد را مطرح کرده است. تشریح سه بخش مذکور عبارت است از:

۱ - در بخش مقدمه، موضوعات گوناگونی چون وجه تسمیه سوره، سبب نزول، مکان نزول، زمان نزول و مباحث اصلی سوره به بحث گذاشته شده است. این بخش در بیش‌تر سوره‌ها، کوتاه و فشرده است و مقدمه سوره‌های مکی در مقایسه با سوره‌های مدنی طولانی‌تر است. برای نمونه سوره مدثر در حدود سه صفحه مقدمه دارد، اما سوره بقره با ۲۸۶ آیه تنها دارای یک صفحه مقدمه است.

۲ - در بخش متن سوره، رویه واحدی مشاهده نمی‌شود. در تفسیر برخی سوره‌ها همچون مسد، مدثر و عصر، متن سوره، بدون دسته‌بندی آمده است. در تفسیر شماری از سوره‌ها همچون تکویر، اعلی و لیل، متن سوره‌ها صرفاً دسته‌بندی شده و در تفسیر بسیاری از سوره‌ها، علاوه بر دسته‌بندی، مقدمه و خاتمه‌ای نیز در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال متن سوره بقره، دارای یک مقدمه و پنج دسته‌بندی و یک خاتمه به شرح زیر است. به عناوین این دسته‌بندی، فقرات سوره نیز اطلاق شده است. مثلاً سوره بقره دارای ۷ فقره است.

- مقدمه: تفسیر آیات یک تا هفت ذیل موضوع قرآن، هدایتی برای مؤمنان به غیب، کافران، غیر مؤمن به آن.
- دسته اول: تفسیر آیات هشت تا بیست، ذیل موضوع منافقان قائل به ایمان در حالی که در قلب ایمان ندارند.
- دسته دوم: تفسیر آیات بیست و یک تا سی و نه، ذیل موضوع مشرکان، ترساندن و وعیددادن: نافرمانیشان برگرفته از نافرمانی شیطان.

- دسته سوم: تفسیر آیات چهل تا صد و بیست و سه، ذیل موضوع تماس با یهود مدینه منوره با موضوعات زیر:
  - تذکر به نعمت‌های الهی داده‌شده به اسلاف آنها و دعوتشان به اسلام(آیات ۴۰ تا ۴۸)
  - رنج‌ها و مشکلات موسی(ع) با قومش در سفر از مصر به فلسطین(آیات ۴۹ تا ۶۲)
  - نقض پیمان آنها با خداوند و عدم تقیدشان به شریعت(موضوع گاو و احکام روز شنبه)(آیات ۶۳ تا ۷۴)
  - ادعای امّی بودن اعراب . . . اینکه کتاب ندارند(آیات ۷۵ تا ۸۲)
  - عدم احترام به عهد و پیمان (آیات ۸۳ تا ۸۶)
  - بزرگ بینی در اثر عدم توجه پیامبران به خواسته های نفسانی شما(آیات ۸۷ تا ۱۰۳)
  - عدم رضایت یهود و نصاری از پیامبر اکرم(ص) مگر پس از تبعیت آن حضرت از آنان(آیات ۱۰۴ تا ۱۲۳)
- دسته چهارم: تفسیر آیات صد و بیست و چهار تا صد و هفتاد و شش، ذیل موضوع بازگشت به ابراهیم(ع) به عنوان جد عرب و اساس دین با موضوعات زیر:
  - تغییر قبله و قطع رابطه با یهود(آیات ۱۴۲ تا ۱۵۷)
  - شعائر حج(آیات ۱۵۸ تا ۱۶۷)
  - عدم پذیرش اصل تبعیت از آباء و اجداد(آیات ۱۶۸ تا ۱۷۶)
- دسته پنجم: تفسیر آیات صد و هفتاد و هفت تا دویست و هشتاد و چهار، ذیل موضوع دین حق؛ عقیده و رفتار با موضوعات زیر:
  - قصاص(آیات ۱۷۸ تا ۱۷۹)
  - وصیت(آیات ۱۸۰ تا ۱۸۲)
  - وجوب روزه و واجبات دیگر(آیات ۱۸۳ تا ۱۸۹)
  - جنگ و قتال در ماه‌های حرام(سریه ابن جحش و جنگ بدر)(آیات ۱۹۰ تا ۱۹۵)

- حج و عمره و مناسک آن (آیات ۱۹۶ تا ۲۰۳)
- دخول همه در سلامت (دین اسلام) (آیات ۲۰۴ تا ۲۱۴)
- سؤال و جوابها مشتمل بر انفاق، قتال، قتال در ماه حرام، قمار و شراب، عفو، ایتم، ازدواج با مشرکین و حیض (آیات ۲۱۵ تا ۲۲۳)
- قسم، طلاق، شیردادن و حقوق بیوه (آیات ۲۲۴ تا ۲۴۲)
- تهییج بر جنگ (آیات ۲۴۳ تا ۲۵۴)
- عدم اکراه در دین (آیات ۲۵۵ تا ۲۶۰)
- تهییج بر انفاق و پرهیز از منت و ریا (آیات ۲۶۱ تا ۲۷۴)
- تحریم ربا، نوشتن دیون و گواهی (آیات ۲۷۵ تا ۲۸۴)

- خاتمه: تفسیر آیات دویست و هشتاد و پنج تا دویست و هشتاد و شش، ذیل موضوع تکلیف به اندازه ظرفیت.

۳- در بخش استطراء، برخی موارد مطرح شده در مقدمه تفسیر سوره و موضوعات و مباحث مهم آن به بحث گذاشته شده و در برخی از سوره‌ها به فقرات موضوعی سوره نیز پرداخته شده است.

در پایان تفسیر سوره بقره، مسأله نسخ در قرآن تبیین گردیده است.<sup>۱</sup>

#### ۴ - علت انتخاب سه مجلد

جابری در پاسخ به این سؤال که چرا تفسیر سوره‌های مکی را در دو جلد و شش مرحله جمع‌بندی کرده و چرا جلد اول را با سوره یوسف (س) به پایان رسانده است، صرفنظر از ضرورت کم‌حجم بودن مجلدات و امکان مراجعه بهتر به مجلدات و البته قیمت مناسب هر جلد، دلیل آن را این‌گونه بیان می‌کند:

ما این مراحل شش‌گانه را بر حسب ترتیب نزول و حوادثی که در سیره پیامبر اکرم (ص) اتفاق افتاده بود تقسیم‌بندی کردیم که با در نظر گرفتن نوعی علامت جدایی و ارتباط (/) میان سه مرحله نخست و سه مرحله بعدی تمایز قایل شدیم. بنابراین جداکردن

۱. الجابری، محمدعابد، فهم القرآن الحكيم، التفسير الواضح حسب ترتيب النزول، القسم الثالث، مركز دراسات الوحدة العربية، بيروت، چاپ اول، ۲۰۰۹ م، ص ۹۳

سوره‌های مکی به دو بخش به این اعتبار بود که این دو بخش در عین حال که با هم ارتباط دارند، از هم جدا هستند.

نزول آیات در مراحل سه‌گانه نخست، سه محور اصلی را در بر می‌گیرد که عبارتند از: نبوت، توحید و معاد. این سه محور، ارکان اصلی اندیشه اسلامی را تشکیل می‌دهند. در این سه مرحله، خطاب آیات به مشرکان مکه بود که در صدر آن‌ها ثروتمندان، بزرگان، تجمل‌گرایان و . . . بودند، ولی در مراحل سه‌گانه بعدی که از سوره حجر (ترتیب نزول: ۵۳) شروع می‌شود، مخاطب آیات عوض می‌شود. مسلمانان توانستند بدون اینکه قریش اطلاع یابد به حبشه مهاجرت کنند و تلاش مشرکان برای راضی کردن پادشاه حبشه مبنی بر بازگرداندن مهاجران، با شکست روبه‌رو شد. بنابراین سخت‌گیری‌های بیش‌تری را در مقابل دعوت پیامبر اکرم (ص) اعمال کردند و برای جوانان، در داخل هر قبیله حصری ترتیب دادند تا نتوانند به اسلام گرایش پیدا کنند. دیگر نمی‌شد دعوت را - حتی به صورت پنهانی - در مکه ادامه داد، بنابراین خداوند به پیامبرش (ص) دستور داد که گروه‌هایی از قبایل دیگر را که در موسم حج و بازارهای فصلی به مکه می‌آمدند، به اسلام دعوت کند.

فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَاَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ \* اِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ<sup>۱</sup>

این آیه، به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد از مشرکان مکه روی برگرداند و در خارج از مکه، مردم را به صورت علنی به اسلام دعوت کند. به موجب این دستور، پیامبر اکرم (ص) باید دعوت خود را از سطح ارتباطات فردی و قانع کردن نزدیکان و یارانش در داخل مکه و . . . به سطح دعوت آشکار در میان جماعت مردمی که در مراسم‌ها و بازارها جمع می‌شدند، انتقال می‌داد.

سوره‌های مکی، نبوت، ربوبیت و یگانگی خداوند را اثبات و شرک و بت‌پرستی را باطل اعلام کردند، همچنین مسأله زنده‌شدن دوباره در قیامت و پاداش و کیفر را مطرح کردند. این‌ها محورهای سه‌گانه‌ای هستند که اندیشه اسلامی را تشکیل می‌دهند. قرآن این سه محور را بیان می‌کند و با آوردن دلایل عقلی متفاوت که برای عرب‌ها آشنا بود، بر آن تأکید کرد و داستان‌های پیامبران را بر آن افزود. بنابراین همان‌طور که گفتیم سوره‌های مکی، اغراض اصلی را به صورت کامل ارائه کرده بود، زیرا زمانی که آیه فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَاَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ نازل شد، مرحله دعوت، به مرحله دیگری - تشکیل حکومت -

۱. پس آنچه را بدان فرمان یافتی آشکار کن و از مشرکان روی بگردان. \* هر آینه ما تو را از استهزاکنندگان کفایت کردیم (حجر)،

تغییر نیافت، پس چگونه ممکن است اینکه فرموده إصْدَعْ بَمَا تَوَمَّرْ، منظورش این باشد که گروهی از قریش را مورد خطاب قرار بده در حالی که اقوام دیگر چیزی در مورد اسلام نمی‌دانستند، غیر از اینکه خبرهای مختصری در مورد دعوت پیامبر اکرم (ص) در مکه و نپذیرفتن قریش، به گوششان رسیده بود. . . چگونه مطالب جدیدی که مردم مکه و اطراف آن را از آن مطلع کرده بود، در بازارها و مراسم‌ها به همه مردم انتقال دهد؟ به عبارت دیگر، آیا زمانی که این آیه نازل شد، نوآوری‌ای در دعوت صورت خواهد گرفت؟ یعنی، آیا پس از اینکه قرآن، نبوت، توحید و معاد را با زبانی آشکار بیان کرد، شیوه دعوت وارد مرحله جدیدی خواهد شد؟

این سؤالات و پاسخی که به زودی به آن‌ها خواهیم داد، این مسأله را توجیه می‌کند که چرا بخش اول این کتاب را با سوره یوسف (س) به پایان رساندیم. سوره یوسف (س)، آخرین سوره از مجموعه‌ای بود که در آن‌ها داستان‌های پیامبران بیان می‌شد، بنابراین درستی بیان خود را به وسیله کتاب تاریخ مقدس و کتاب طبیعت - که برای عرب‌ها شناخته شده بود - اثبات می‌کند. برخی از افراد تندرو که از دین خارج شده‌اند معتقدند که داستان حضرت یوسف (ع) جزء قرآن نیست، گویا این افراد از این داستان فقط این آیه را خوانده‌اند: وَ رَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ. حقیقت این است که آوردن داستان حضرت یوسف (ع) در این مرحله از سیر نزول قرآن - آن هم به صورت مفصل - باید معنای خاصی داشته باشد. خداوند صرفاً نمی‌خواسته که مضمون داستان را برای ما تعریف کند همان‌طور که در تاریخ بنی اسرائیل، قصد خداوند صرفاً نقل داستان نیست. این سوره، داستان پیامبران را به شکلی به پایان می‌رساند که نشان می‌دهد، دعوت پیامبر اکرم (ص)، به زودی از مرحله سختی عبور خواهد کرد و وارد مرحله آسایش و راحتی خواهد شد. داستان حضرت یوسف (ع) را از زمان کودکی تعریف می‌کند، زمانی که برادرانش به خاطر جایگاه او نزد پدرش، بر او حسادت ورزیدند و علیه او توطئه کردند و او را در چاه انداختند تا از دست او راحت شوند و زمانی که حضرت یوسف (ع) از چاه نجات یافت، او را به عنوان برده، به بازرگانان فروختند. این بازرگانان هم حضرت یوسف (ع) را در مصر، در بازار برده فروشی فروختند. . . سپس روزگار سپری شد و یوسف پیامبر (ع) و امانت دار، اطمینان پادشاه مصر را به دست آورد و حاکم اجرایی و جانشین پادشاه شد. سپس حضرت یوسف (ع)،

۱. و آن زن که او در خانه‌اش بود از وی کام خواست، و درها را ببست و گفت: بیا [که تو را آماده‌ام]. گفت: پناه بر خدا! که او پروردگار من است، جایگاهم را نیکو داشته برآستی که ستمکاران رستگار نشوند. (یوسف، ۲۳)

پدر و برادرانش را به مصر فراخواند تا همگی در کنار یکدیگر بزرگوارانه زندگی کنند. این سیر دگرگونی از سختی به راحتی همان محتوایی است که سوره یوسف (س) در پایان داستان می‌خواهد آن را بیان کند. خداوند می‌فرماید:

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَذَارُ الْأَخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ \* حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَرَ الرُّسُلُ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَ لَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ \* لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ<sup>۱</sup>

پس از بیان این آیات پایانی، مستقیماً سوره حجر نازل شد تا بگوید که دیگر امکان مسلمان شدن قریش وجود ندارد، آن‌ها کفر را برگزیده و بر آن اصرار کرده‌اند و دیگر نمی‌توانند به عقب برگردند!

حال، چاره چیست؟ بگوییم: همان‌طور که ملت‌های گذشته دچار عذاب شدند، این قوم هم به زودی دچار عذاب می‌شود؟ اگر این‌طور باشد، پیامبر امی و امانت دار باید دست از تبلیغ دین بردارد و تسلیم شود. . . هرگز این مورد، راه چاره نیست! علاوه بر قرآن بزرگ که تا آن زمان نازل شده بود و توحید و معاد و نبوت را اثبات می‌کرد، مجموعه سبع‌المتانی هم وجود داشت. این مجموعه، موضع فکری را هفت بار به صورت شفاف، تکرار کرد! سوره حجر هفتمین سوره از این مجموعه است. اولین سوره از این مجموعه، سوره شعراء بود. سوره حجر مژده می‌دهد که هفته جدید آغاز خواهد شد. مژده این سوره در این آیات است: فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُنْكَرِ \* إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ.<sup>۲</sup> این آیات به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهند که همه عرب‌ها را - در بازارها و زمان‌های خاص - به اسلام دعوت کند. برای اینکه دنیا آغوش خود را به دعوت اسلامی باز کند، ابتدا باید اسلام، آغوش خود را برای همه دنیا باز کند!

از مباحثی که مطرح شد می‌توانیم توجیه کنیم که چرا گفتیم باید میان سوره‌های قبل از

۱. و پیش از تو نفرستادیم مگر مردانی را از مردم شهرها که بدیشان وحی می‌کردیم پس آیا در زمین، نگشته‌اند تا بنگردند که سرانجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بود؟ و هر آینه سرای بازپسین برای پرهیزگاران بهتر است، آیا خرد را کار نمی‌بندید؟ [و دعوت پیامبران و انکار کافران ادامه داشت] تا چون پیامبران [از ایمان آوردن قوم خود] نومید شدند و [کافران] چنین دانستند که به آنان دروغ گفته شده- که کافران عذاب سخت دارند-، یاری ما بدیشان رسید، پس هر که را خواستیم رها کرده شد، و عذاب سخت ما از گروه بزهکاران باز گردانده نشود. (یوسف، ۱۱۰-۱۰۹)

۲. پس آنچه را بدان فرمان یافتی آشکار کن و از مشرکان روی بگردان. \* هر آینه ما تو را از استهزا کنندگان کفایت کردیم (حجر، ۹۵-۹۴)

حجر و بعد از آن، علامت جدایی و ارتباط (/) بگذاریم. پس از مطرح کردن این بحث فقط این مورد باقی می‌ماند که مشخص کنیم روشی که خطاب قرآنی برای دومین بار در بیان ارکان اصلی تفکر اسلامی (نبوت، توحید و معاد) به کار گرفت، چه بود؟ پیامبر اکرم (ص) بیش از پنج سال، مردم را در بازارها و زمان‌های خاص، به همان خطابی که قبلاً در مورد مشرکان مکه به کار برده بود، مورد خطاب قرار داد!

۱. الجابری، محمدعابد، فهم القرآن الحكيم، التفسير الواضح حسب ترتيب النزول، القسم الثالث، مركز دراسات الوحدة العربية، بيروت، چاپ اول، ۲۰۰۹ م، صص ۳۹۷-۳۹۴

## فصل اول :

### مبانی اندیشه‌ورزی جابری

